

شیعیان یمن؛ بررسی وضعیت فرهنگی سیاسی

<?xml encoding="UTF-8">

اشاره

نوشتار ذیل حاصل گفت وگویی «مؤسسه شیعه شناسی» با آقای دکتر عصام العمداد از شیعیان یمن قبلاً دارای مذهب اهل سنت بوده و سپس شیعه مذهب شدند درباره وضعیت این کشور و شیعیان آن است که در تاریخ 5/6/1383 صورت گرفته. ایشان متولد سال 1968 و دارای دکترای علوم حدیث از دانشگاه عربستان می باشد و اکنون در مقطع خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل است.

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

العمدات: عصام العمداد، اهل یمن و متولد 1968 هستم، از کلاس اول دبستان تا چهارم دبیرستان، 12 سال در مدارس دینی و هابی ها در یمن درس خواندم. پس از فارغ التحصیل شدن از این مدارس، به عنوان امام جماعت مسجد، در شهر صنعاء پایتخت یمن بودم. بعد هم در عربستان، در دانشگاه «علوم حدیث» مشغول تحصیل شدم و با درجه دکترای علوم حدیث فارغ التحصیل گردیدم. اولین بار که به ایران آمدم، اواخر سال 1369 بود.

چطور شد که شیعه شدید؟

العمدات: در عربستان، چون تخصص من علوم حدیث بود، کتابی به نام العتب الجمیل علی اهل الجرح والتعدیل که در علم رجال اهل تسنن نوشته شده بود را خواندم که در آن، دلایلی آورده بود که در اهل سنت، گرایش های مذهبی و تاریخی در گزینش احادیث و افراد در علم رجال و حدیث دخالت دارند. پخش این کتاب هیاهویی در عربستان ایجاد کرد و تقریباً 10 کتاب علیه آن نوشته شدند که من بعضی از آن ها را خواندم. پس از خواندن آن کتاب ها، واقعا دیگر اعتمادی به آنچه می خواندم یا علمای اهل تسنن می گفتند، نداشتم. ما کتاب های عقیدتی که می خواندیم بر اساس احادیث پیغمبر بودند. حدیث پیامبر در علم رجال از طریق راویان حدیث نقل شده است. با طرح شبهه و سؤال در علم حدیث، کتاب های عقیدتی مثل کتاب توحید محمد عبده هم زیر سؤال خواهند رفت؛ زیرا اساس این اعتقادات بر احادیث و اساس احادیث بر علم رجال هستند. یک عبارت از ابن حجر عسقلانی نقل شده امام ابن حجر عسقلانی از شخصیت های درجه یک اهل تسنن است گفته: من واقعا تأسف می خورم هنگامی که به علمای پیشین در قرن اول تا چهارم نگاه می کنم، می بینم این ها هرگاه شیعه ای را که باید از پیامبر و از راویان قدیم بدانند، به عنوان دروغگو، ناپسند می پندارند و هرگاه یک راوی، ضد اهل بیت علیهم السلام و مخالف شیعه بود، او را به عنوان راستگو، دیندار و مؤمن می پندارند. عسقلانی می گوید: من حیرت زده شده ام که چرا علمای پیشین برخلاف سخن پیغمبر عمل کرده اند! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که از طرفداران علی است مؤمن است و هر که از دشمنان علی است منافق. عسقلانی گفته: این روایت صحیح است و من تحقیق کردم و به صحت آن اطمینان دارم.

آقای ابن حجر عسقلانی می گوید: دیدم علمای ما بر خلاف این حدیث عمل می کنند؛ یعنی هر که را دوست امام علی علیه السلام است به عنوان دروغگو معرفی کرده اند و از او حمایت نکرده اند، و هر که را از دشمنان امام علی علیه السلام بوده از او به زور حمایت کرده اند. البته دلایل زیادی را مطرح کرده، ولی پس از چند سال بررسی، به این نتیجه رسیده که این حرف صحیح است. ولی حرف آقای عسقلانی هم برای من قانع کننده نبود؛ چون ایشان فقط طرح شبهه کرده، تحقیق نکرده و جواب قانع کننده به سؤال خودش هم نداده است. این اولین جمله ای بود که من قبلاً در کتاب تهذیب التهذیب او خواندم. همین مسائل که ابن حجر عسقلانی آن ها را مطرح کرده، امام ابن عقیل شافعی هم گفته است که علمای اهل سنت نسبت به امام علی علیه السلام ظلم و بی مهری کرده اند. ما در یمن، جلسات متعددی داشتیم؛ علمای درجه یک و شخصیت های فرهنگی ملی در این جلسات شرکت می کردند. تقریباً 40 نفر در این جلسه شرکت می کردند. این جلسات در ماه رمضان تشکیل می شدند و مباحثی مثل بیعت نکردن حضرت علی علیه السلام با ابابکر و عمر و مباحثی مثل اینکه چرا با اینکه به حضرت علی علیه السلام گفتند در مدینه بمانید، ایشان مرکز حکومت را از مدینه به کوفه منتقل کرد؟ چرا اصلاً با اینکه به ایشان سفارش کردند که به طرف بصره نرو، حرکت کرد و باعث جنگ شد؟ یعنی همیشه تقصیر را به گردن امام علی علیه السلام می انداختند! چرا وقتی به ایشان گفتند معاویه در سر کار بماند تا شما قدرت پیدا کنید، گوش نکرد؟ چرا جنگید؟ چرا اصلاً خلافت را پذیرفت؟ این سؤالات را همیشه مطرح می کردیم، ولی متوجه بی مهری خودم نسبت به امام علی علیه السلام نبودم؛ یعنی اگر کسی به من می گفت: نسبت به امام علی علیه السلام بی مهری می کنی، می گفتم تهمت خیلی بزرگی به من می زنی. ولی وقتی کتاب العتب الجمیل علی اهل الجرح والتعدیل را خواندم، دیدم درست است اگر کسی یک سنی واقعی است حتماً باید نسبت به امام علی علیه السلام موضع بگیرد؛ چون یا باید امام علی علیه السلام را محکوم کند یا عمر را. ایشان این مسئله را مطرح کرد و من متوجه شدم مثل اینکه راه زندگی برایم روشن و مشخص شده است. با توجه به اینکه تخصص من در این رشته است. نه تنها من توسط این کتاب شیعه شدم، بلکه افراد زیادی را هم می شناسم که با خواندن این کتاب شیعه شده اند، با اینکه مؤلف و نویسنده کتاب خودش سنی است. ولی به یک نکته خیلی مهم اشاره کرده است که ما همیشه افتخار می کردیم که سنی ها نسبت به امام علی علیه السلام حالت بی مهری و بی میلی دارند.

شما حالا دیگر بی میلی و بی مهری نسبت به حضرت علی علیه السلام ندارید؟ آیا شما می پذیرید که شیعه ها هم نسبت به سایر خلفا بی مهری دارند؟

العماد: من فکر می کنم بی مهری شیعیان نسبت به رهبران اهل تسنن و بی مهری اهل سنت به امامان شیعه با یکدیگر فرق می کنند؛ یعنی در اهل سنت، این بی مهری به علت مسائل سیاسی ایجاد شده، نه مسائل دینی و مذهبی؛ بی مهری آن ها نسبت به امام علی علیه السلام نتیجه دخالت دولت های ظالم می باشد، ولی بی مهری شیعه فرق می کند. شیعه بر اساس قرآن و سنت دلیل مطرح می کند. در اینجا سیاست مطرح نیست. اگر بی مهری شیعه هم نسبت به عمر بر اساس مسائل سیاسی باشد محکوم خواهد شد. اما چون دلیل قرآنی و حدیثی از پیامبر دارند، حرفشان درست است؛ یعنی شیعیان یک مبنای دینی مطرح کرده اند که خود پیامبر مطرح می کرد، ولی اهل سنت گفته اند که امام علی علیه السلام به عنوان خلیفه چهارم، از اهل بهشت است. سنی ها قبول دارند که پیغمبر به امام علی علیه السلام گفته است: «انْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» همه فضایل امام علی علیه السلام را هم قبول دارند. پس بی مهری اهل سنت نسبت به امام چیست و از کجا نشأت گرفته؟

پس سر منشأ دینی نداشته است. با توجه به اینکه تمام فضایل امام علی علیه السلام را قبول دارند، معلوم می شود انگیزه سیاسی در کار است. ولی بی مهری شیعه بر اساس بینش دینی واقع شده است.

چند درصد از جمعیت یمن شیعه (به مفهوم عام یا شیعه امامیه) هستند؟
العماد: در واقع، شیعه امامیه شیعه به معنای خاص فقط پس از انقلاب به آنجا آمده است. پیش از انقلاب، در آنجا شیعه نبود. پیش از انقلاب، فقط تعدادی شیعه زیدی در آنجا بودند و پس از انقلاب اسلامی، تشیع دوازده امامی به آنجا وارد شد.

آیا تعداد آن ها زیاد است؟
العماد: نه، آمار صددرصد از شیعیان دوازده امامی نداریم؛ چون یک پدیده جدید در جامعه ما هستند.

چند درصد از مسلمانان یمن شیعه زیدی هستند؟
العماد: اگر زیدی ها را شیعه حساب کنیم 30 درصد کل جمعیت یمن شیعه اند؛ چون زیدی ها از 1200 سال پیش در یمن زندگی می کرده اند. بیشتر سادات یمن، از فرزندان آقایی به نام یحیی الامام الهادی بن الحسین بن القاسم الرسی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام هستند که برادرش هم در یمن بود. وی در سال 260 هجری از مدینه به یمن آمد؛ از ظلم دولت عباسی به آنجا فرار کرد. پیش از آن همه مردم یمن سنی مذهب بودند، ولی مورخان متعصب سنی مذهب بررسی کرده اند که پس از او شیعیان در یمن رشد کرده اند. تا پیش از این تاریخ، اسامی خلفا در سراسر یمن پخش می شدند، ولی از وقتی یحیی الهادی وارد یمن شد، حاکم دستور داده که ذکر خلفای ثلاثه ممنوع گردد، فقط ذکر امام علی علیه السلام جایز بود.

در حال حاضر، جمعیت یمن چقدر است؟
العماد: قریب 22 میلیون نفر جمعیت دارد که 30 درصد آن ها شیعیان زیدی مذهب می باشند؛ یعنی قریب 5/6 میلیون نفر. این آمار قبلاً بیشتر بوده؛ یعنی در زمان حکومت خود زیدی ها حدود 40 درصد بوده است. اکنون از این تعداد، شاید تنها قریب 4 یا 5 درصد به خوبی شناخته شده اند.

در 1962 قریب 42 سال پیش عبدالناصر 70 هزار نیروی مصری در یمن مستقر کرد و حکومت را از زیدی ها گرفتند و به افراد لائیک سپرد، که حتی نمی توان گفت آن ها سنی مذهب می باشند.

در همین سال، همه مدارس دینی را ممنوع اعلام کردند، علمای آن ها را کشتند و من هم وارد مدارس وهابی عربستانی در یمن شدم. علت اینکه گفتم از 5/6 میلیون شیعه زیدی اکنون فقط نیم ملیون نفر شناخته شده اند، این است که حکومت اولاً، همه مراسم آن ها را ممنوع کرده. مراسم شیعیان بر اساس گرایش به اهل بیت علیهم السلام است و حکومت جدید وقتی روی کار آمد، شروع به قتل عام شیعیان و علمای آن ها کرد. همه مسائل فرهنگ هزار ساله را که وابسته به اهل بیت علیهم السلام بود، عوض کردند؛ مثلاً، قبلاً در مراسم تشییع جنازه از اول تا آخر ذکر اهل بیت علیهم السلام می شد، اما همه این ها را ممنوع کردند. اکنون در مدارس رسمی

و غیررسمی، اصلاً مسئله اهل بیت علیهم السلام مطرح نیست؛ کتاب هایی مثل نهج البلاغه را ممنوع کرده اند، صحیفه سجادیه ممنوع است. در کتاب های درسی و منابع روایی، به اهل بیت علیهم السلام حتی اشاره هم نمی شود؛ ممنوع است. همین اواخر، قریب یک ماه پیش دستور داده شد که نهج البلاغه را از سراسر یمن جمع کنند.

شیعه هایی که پس از انقلاب گرایش به امامیه پیدا کرده اند مراسم خاصی مثل مراسم عاشورا دارند؟
العماد: امروزه شیعیان زیدی و شیعیان دوازده امامی در مراسمی مثل روز غدیر، در مناطقی جمع می شوند و عالم برجسته ای از آن ها در آن روز سخنرانی می کند، مسئله ولایت حضرت علی علیه السلام را تعریف می کند، میوه و شیرینی پخش می کنند و شبیه خوانی انجام می دهند و از روز اول ذی الحجة تا 18 ذی الحجة را «عید غدیر» می گویند.

در عید غدیر، چگونه شبیه خوانی می کنند؟

العماد: یک عده نقش بازی می کنند، یکی هم سخنرانی می کند؛ مسابقه تیراندازی هم برگزار می کنند. ولی به علت تعصب مذهبی و جنگی که دولت یمن پس از انقلاب 1962 صورت داد، این مراسم ممنوع است، فقط در برخی مناطق یمن به صورت مخفیانه اجرا می شود. وهابی ها در مراکز حساس دولتی نفوذ دارند و اتفاق افتاده است که گاه در روز غدیر، چند نفر کشته شده اند و ممکن است چندین نفر کشته شوند و جنگ صورت بگیرد. به همین دلیل، خود دولت دخالت می کند و دستور رسمی صادر می کند که مراسم غدیر ممنوع است.

زیدی ها به طور خاص، غیر مراسم غدیر، چه مراسم دیگری دارند؟

العماد: مراسم دیگری هم وجود دارند؛ مثلاً، اکنون با وجود انقلاب اسلامی، برخی مراسم گرچه کم هستند، ولی از شیعیان دوازده امامی وارد جامعه شیعیان زیدی شده اند؛ مثل عاشورا. مراسم عاشورا قبلاً نبود؛ تا پیش از انقلاب اسلامی، میان زیدی ها چنین مراسمی مطرح نبود، ولی در حال حاضر، تعداد زیادی از شیعیان زیدی روش ایرانیان و شیعیان عراقی را یاد گرفته اند و در روز عاشورا سینه می زنند، روضه می خوانند. همچنین دعای کمیل می خوانند. این ها از فرهنگ شیعه دوازده امامی به آنجا آمده اند. گرایش به دعای کمیل، مفاتیح الجنان و بعضی ادعیه شیعه پس از انقلاب اسلامی زیاد شده است؛ چون بیشتر جامعه زیدی در ظلم بوده اند. این ها در حال انقراض بودند. اعتراف می کنم که اگر انقلاب اسلامی نبود، مذهب زیدی از بین رفته بود؛ چون تهاجم فرهنگی از مصر و کشورهای عربی و فیلم های تلویزیونی، همه مذهب اهل سنت را تبلیغ می کنند و بر سنتی بودن عرب و ناسیونالیسم عرب تأکید زیاد دارند. همه این ها موجب شده اند که همین 5/6 میلیون زیدی، به ظاهر زیدی باشند. فقط با آمدن انقلاب اسلامی و کتاب های شیعه، که از قم به آنجا آمدند، خود زیدی ها بعداً به مذهب زیدی برگشتند. من از آن ها می پرسیدم که چرا زیدی شدید، می گفتند: ما کتاب المراجعات علامه شرف الدین را خواندیم. یکی از رهبران زیدی ها در یمن، محمد منصور، می گفت: اگر انقلاب اسلامی نبود، زیدی ها از بین رفته بودند، چون به هر حال، دولت شیعه آمده، ما هم شیعه هستیم. با آمدن یک دولت شیعه، ما

دوباره زنده شدیم و دوباره به تشیع خود امیدوار شدیم. خود علمای زیدی گفته اند: اگر انقلاب اسلامی نبود، الآن یک زیدی هم در یمن نبود. خوشبختانه بیشتر آن هایی که موجب گسترش مذهب دوازده امامی در یمن شده اند همین زیدی ها بوده اند. بیشتر کسانی که به عنوان مبلغ به یمن رفتند، توسط شخصیت های زیدی حمایت شدند؛ نه تنها حمایت شدند، بلکه به آن ها اجازه دادند که مدرسه بسازند و تبلیغ کنند، حتی اجازه دادند فرزندان شان هم شیعه شوند. مفتی زیدی ها آقای علامه محمد زبارة در یمن می گفت: تشیع واقعی در قم است.

وضعیت علما و روحانیان یمن چگونه است؟ آیا زیدی ها عالم و روحانی برجسته دارند؟ آن ها کجا درس می خوانند؟

العماد: آن ها غالباً در شهر علمی زیدی ها در یمن، شهر «صعدة»، هستند؛ منطقه ای که تقریباً سه ماه پیش در آن جنگ شد؛ جنگی که واقعا جنگ مذهب بود. تعدادی از علمای شیعه زیدی در این جنگ کشته شدند، که برخی از آن ها قریب 80 سال سن داشتند. آیه الله محمدرضا جلالی، که با علمای زیدی زیاد ارتباط دارد، می گفت: کشتارها زیاد بودند؛ دست کم از سال 1962 یعنی از 42 سال قبل، دست کم 5000 زن و مرد و علمای شیعی کشته شده اند. به طور تقریبی، هر هفته یا هر دو هفته یا امام جماعت یک مسجد را کشته اند یا یک روحانی برجسته را یا یک شخصیت برجسته را یا یکی از معتقدان به دین را.

آیا شیعه های دوازده امامی هم در آنجا روحانی دارند؟
العماد: بله، دارند، ولی شیعه دوازده امامی چون تازه در یمن پا گرفته نمی توان گفت صد درصد جا گرفته است.

آیا از یمن هم طلبه در قم داریم؟
العماد: بله. این ها وقتی درس خواندند، برای تبلیغ، به یمن برمی گردند.

در ماه رمضان، آنجا شیعه ها مراسم شب قدر هم دارند؟ در این باره، زیدی ها تفاوتی با سنی ها دارند؟
العماد: بله، مراسم هست. تفاوت این ها هم بیشتر به خاطر فقه آن هاست؛ مثلاً، چند درصد از فقه زیدی در احکام نماز و روزه، مخلوطی از فقه شیعه و فقه اهل سنت است.

در شب نوزدهم ماه رمضان، که شب شهادت امام علی علیه السلام است، آیا شیعیان آنجا مراسم ویژه ای دارند؟
یا فقط روز عاشورا مراسم دارند؟

العماد: مراسم اکنون کمابیش برگزار می شوند، ولی قبلاً این مراسم نبود. این مراسم به تدریج، از فرهنگ شیعه دوازده امامی وارد مذهب زیدی شده و گرچه آن ها زیدی هستند، ولی به صورت شیعه دوازده امامی عمل می کنند. وقتی وارد شهر زیدی می شوید، می بینید 90 درصد کتاب های آن ها از شیعیان دوازده امامی اند.

به لحاظ فقهی، زیدی ها به خمس هم معتقدند؟
العماد: بله، ولی مانند اهل سنت قایل به خمس غنایم هستند.

آیا ارتباط میان شیعیان و اهل سنت خوب است؟
العماد: در جنگ اخیر، که در منطقه «صعده» سه ماه قبل صورت گرفت، هزاران نفر کشته شدند و هنوز نیز ادامه دارد. این جنگ در واقع، یک قتل عام توسط عوامل دولتی بود که صورت گرفت.

در شهر «صعده»، شیعیان مدرسه علمیه دارند؟ تعداد طلبه های آن چقدر است؟
العماد: بله، دارند، بخصوص در تابستان 18000 طلبه به خاطر تعطیلات مدارس، در آنجا جمع می شوند.

در یمن، زیارتگاه یا معبدی هم هست؟
العماد: بله، بیشتر زیارتگاه ها جاهایی هستند که امام علی علیه السلام در آن جا حضور یافته اند. وقتی پیامبر امام علی علیه السلام را به یمن فرستادند، امام علی علیه السلام در آنجا یک مسجد ساختند. این مسجد هنوز هم هست و قدیمی است که خیلی مقدّس می باشد. مسجد دیگری هم هست به نام «مسجد الشهیدین» که خیلی شهرت دارد.

در مورد امام زمان علیه السلام ، زیدی های یمن چه اعتقادی دارند؟
العماد: سنی ها امام زمانی را قبول دارند که زمانی متولّد می شود و ظهور می کند. ولی شیعیان زیدی عصمت پنج تن (آل عبا) را قبول دارند: امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام . بقیه افراد مثل زید، امام جعفر صادق و امام باقر علیهما السلام را به عنوان افراد مقدّس قبول دارند، نه به عنوان معصوم، و قایلند که پس از رحلت امام حسین علیه السلام دیگر مسئله «عصمت» و «نص» تمام شد.

آیا می توان گفت مسئله «مهدویت» در آنجا بروز اجتماعی ندارد، به خلاف آنچه مثلاً در نیمه شعبان در ایران ابراز می دارند؟
العماد: از این تشریفات در آنجا خبری نیست.

پیش از اینکه شما به ایران بیایید، چند سال داشتید که با ایران آشنا شدید؟
العماد: در سن 10 سالگی بودم که با قیام انقلاب اسلامی آشنا شدم؛ چون انقلاب اسلامی یک حرکت جهانی بود. علاوه بر این ها، در اخبار رادیو و تلویزیون و در روزنامه ها، به دلیل دشمنی دولت یمن با انقلاب اسلامی، تبلیغات منفی صورت می گرفت. در جنگ ایران و عراق، یمن شمالی نیروهای نظامی برای کمک به عراق فرستاد. به خاطر اینکه زیدی ها همه طرفداران انقلاب اسلامی ایران هستند، از این کار دولت یمن خیلی عصبانی بودند. با

توجه به اینکه دستگاه اطلاعات یمن و دستگاه اطلاعات عراق یکی بود، حتی سفیر یمن در ایران، هم نماینده یمن بود و هم نماینده عراق.

آیا زیدی های یمن نیز همانند شیعیان ایران دارای مرجعیت می باشند؟
العماد: آن ها مرجع تقلید دارند و تمام تفکرات شیعه را دارند؛ یعنی گرچه می گویند تقلید زنده نیست، ولی چون از لحاظ فرهنگ و عقیده، با دولت های سیاسی مخالف هستند و دولت ظالم را قبول ندارند، برای خودشان مرجع دینی دارند. آن ها حتی مجبور می شوند زکات را دو بار بپردازند؛ یک بار به دولت یمن و یک بار به مرجع دینی.

مرجع زیدی ها در این زمان چه کسی است؟
العماد: ایشان در قم سکونت دارد، شخصی به نام سید بدرالدین الحوثی که مثل مراجع شیعی، کتاب عقیدتی و فقهی نوشته است.

به نظر شما، حوزه علمیه قم یا علمای شیعه از لحاظ فرهنگی، چه کارهایی می توانند برای یمن انجام دهند و چگونه می توانند با یمن تعامل داشته باشند؟

العماد: در یمن، تشیع به معنای عام، 1200 سال حکومت کرد، تا اینکه وهابی ها به حکومت رسیدند، به کتابخانه ها حمله کردند و آن ها را آتش زدند و میراث 1000 ساله را از بین بردند. برای جلوگیری از نابودی میراث فرهنگی شیعیان زیدی، روش آیه الله محمدرضا جلالی خوب است. ایشان شخصی است که کتاب های زیادی درباره شیعیان نوشته و نسبت به شیعیان زیدی و یمنی خیلی تخصص دارد و سعی می کند نوشته ها و کتاب های شیعی را از یمن به قم بیاورد و در اینجا چاپ کند. ایشان می گفت: ما باید ثابت کنیم که فرهنگ یمنی ها اصالتاً فرهنگ شیعه است. اما سیاست دولت یمن، چون سیاست وهابی و ضد شیعه است، سعی می کنند کتاب های شیعی را چاپ نکنند و یا اگر یک کتاب زیدی چاپ می کنند هر چه در آن مطالب به نفع شیعه است، حذف می کنند. کتاب هایی هم که چاپ می کنند، خود علمای زیدی می گویند: تحریف شده اند؛ مثل کتاب های شرح نهج البلاغه یمنی ها. طی 1200 سال، دست کم 100 شرح بر نهج البلاغه زده شده است. حال اگر این شروح را در ایران چاپ کنید، وهابی ها سعی می کنند این کتاب را اگر قیمتش 100 دلار است 2000 دلار بخرند و آتش بزنند. حتی یک نفر وهابی کتابی نوشته در 4 جلد و سعی کرده است بگوید که قبایل یمنی در ترویج و بسط تشیع دخالت نداشته اند، بلکه در گسترش تسنن دخیل بوده اند و تشیع فقط از آن ایرانی هاست. خوشبختانه شخصی به نام دکتر اصغر منتظرالقائم که استاد علوم تاریخ در دانشگاه اصفهان است کتاب بسیار جالبی در ارتباط با نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت علیهم السلام نوشته که کتاب مهم و مؤثری است که ترجمه این کتاب توسط همسر بنده صورت گرفت. این کتاب در ایران نوشته شده و در یمن کم نظیر است و در این مورد، کتابی وجود نداشته است. این ها سعی می کنند در تلویزیون اعلام کنند که شما یمنی ها سنی هستید و تشیع در یمن نیست، اما رهبر سنی ها، آقای علامه شیخ مقبل وارعی می گفت: در یمن تشیع هست و در دل اهالی یمن حبّ اهل بیت علیهم السلام وجود دارد، ولی ما باید این محبت را از آن ها بگیریم. حال اگر ما بتوانیم

برای تبلیغ، میان یمنی ها برویم و آن ها را شیعه کنیم، این کار خوبی است. ولی کار دیگری هم می توانیم انجام می دهیم و آن اینکه فرهنگ هزارساله شیعه یمن را به ایران وارد کنیم و تجدید چاپ کنیم و به یمن بفرستیم. فکر می کنم این کار مفیدی است؛ چون فرستادن مبلّغ و شیعه کردن تک تک آن ها به مدت زمانی طولانی نیاز دارد.

در حال حاضر، چه کسی از این کارها حمایت می کند؟

العماد: دو شخصیت هستند که از این کار حمایت می کنند: آیه الله جلالی و آیه الله حسینی اشکوری که محقق بزرگی است و 70 کتاب تألیف کرده و بارها به یمن رفته و برای زیدی ها در سراسر جهان کتاب نوشته است. ایشان در مقدمه یکی از کتاب هایش نوشته است: ما باید سعی کنیم میراث شیعه به مفهوم عام را از سراسر جهان جمع کنیم، بخصوص میراث زیدی ها را که در خطر نابودی است؛ چون علمای زیدی در معرض حمله قرار دارند.

شما در ایران به چه کاری مشغول هستید؟

العماد: من اینجا درس طلبگی می خوانم.

نظر شما درباره اتحاد مسلمانان چیست؟ آیا موافقید که شیعه و سنی متحد شوند؟ این اتحاد را چگونه معنا می کنید؟

العماد: اتحاد مسلمانان به دو معناست: یکی به این معنا که می گوییم دیگران به مذهب ما گرایش پیدا کنند و از اعتقادات ما پی روی کنند، که من این را قبول ندارم. ولی اگر اتحاد را به این معنا بدانیم که به عنوان یک روش تبلیغ، مذهب اهل بیت علیهم السلام را مطرح کنیم، این باعث گرایش به این مذهب می شود، نه سبب تنقّر در آن ها، که این کار خوبی است.

دوم اینکه اتحاد از جهت سیاسی باشد؛ یعنی ما در سراسر جهان، در برابر دشمنان اسلام مثل آمریکا متحد شویم. ولی اگر اتحاد به معنای این باشد که مسئله «ولایت» را کم رنگ کنیم تا دیگران را به تشیع دعوت نماییم، این اتحاد نیست، بلکه این کار، هم به اتحاد ضربه می زند و هم به مذهب و اعتقادات.

پس شما اتحاد را استراتژیک می دانید؛ یعنی اینکه ما در برابر دشمنان خارجی متحد باشیم، ولی نه به معنای اینکه از لحاظ اعتقادی یکی بشویم؟

العماد: بله، یعنی من به جای اینکه یک رفتار خصمانه و تفرقه افکنانه انجام دهم گفت وگویی بدون تعصب انجام می دهم. من یک کتاب هم در این مورد نوشته ام که توسط حجة الاسلام مصطفی اسکندری به گفت وگویی بی ستیز ترجمه شده است. این مسئله را در این کتاب مطرح کرده ام.

در یمن، چه کشورهایی از لحاظ فرهنگی فعالیت می کنند و فعالیت های مذهبی انجام می دهند؟ آیا ایران هم فعالیت فرهنگی دارد؟

العماد: به دلیل رفتارهای ضد شیعی حکومت یمن، فعالیت فرهنگی ایرانیان محدود است و بیشتر کارهای خدماتی مثل ساخت درمانگاه و کارهای تجاری انجام می دهند. حتی می خواستند یک کتابخانه در یمن بسازند به نام کتابخانه «امام خمینی» که دولت یمن قبول نکرد.

از مرجعیت شیعه چه توقّعی دارید؟ اگر شما به عنوان مشاور ایشان و امور یمن بودید و بودجه ای برای این کار اختصاص داده شده بود، کدام فعالیت فرهنگی را ترجیح می دادید؟

العماد: شیعیان یمن، دچار یک مشکل بزرگ هستند و آن جنگ مذهبی است که گریبانگیر آن ها شده. از سه یا چهار ماه اخیر تا امروز، هزاران نفر از شیعیان زیدی یمن کشته شده اند. شیعه زیدی یا در زندان است یا در محاصره و یا به قتل می رسد. من فقط انتظار دارم اگر جمهوری اسلامی به علت مسائل سیاسی، نمی تواند این جنایات را محکوم کند، مراجع و علمای ایران مستقلاً یک بیانیه صادر کنند که چرا در یمن شیعیان را قتل عام می کنند، و این کار را محکوم کنند. وقتی با شیعیان یمنی از طریق اینترنت صحبت می کنیم، می گویند ما انتظار داریم که کشتن شیعه را در یمن محکوم کنند.

شما فکر می کنید که آن ها اطلاع ندارند یا مصلحتی ایجاب می کند که این کار را نمی کنند؟
العماد: بیشترشان که من با آن ها جلسه داشتم، از موضوع اطلاع ندارند. ولی با بعضی اشخاص که تماس داشتم و برایشان توضیح دادم، گفتند: یک نامه می نویسیم و جنایات صورت گرفته را محکوم می کنیم. ولی هنوز اطلاعی ای در این خصوص صادر نکرده اند. اکنون هزاران نفر از شیعیان در زندان و در زیر شکنجه هستند و علناً خود رئیس جمهور یمن گفت: تشیع را قبول نداریم، بخصوص اکنون از وضعیت شیعیان در عراق می ترسند. یکی از رهبران وهابیت در یمن نامه ای با امضای گروهی از وهابی ها، برای رئیس جمهور فرستاد و در آن نوشتند که اگر شیعه در یمن وجود داشته باشد در آینده خطر بزرگی برای ما خواهد بود. این مسئله به معنای قتل عام شیعه است.

اکنون وضعیت اقتصادی شیعیان چگونه است؟ در مقایسه با سایر گروه ها، شیعیان جزو قشر فقیرند یا ثروتمند؟
العماد: دولت به شیعیان اجازه نمی دهد مالک کارخانه های صنعتی شوند یا در نیروی هوایی، نیروی انتظامی و در مشاغل مهم دولتی وارد شوند. انتظار دیگری هم هست و آن اینکه کتاب های شیعه زیدی را؛ کتاب هایی که مشترک بین آن ها و شیعیان دوازده امامی هستند، منتشر کنند؛ مثل کتاب در مورد حضرت علی علیه السلام، در مورد حضرت زهرا علیها السلام یا در مورد امام حسین علیه السلام. خوشبختانه بیشتر کتاب های زیدیه درباره این موضوعات هستند. آن ها زیدی هستند، ولی به زید اعتقاد ندارند، می گویند: زید مثل بقیه افراد است. آن ها فقط به پنج تن آل علیهم السلام عبا اعتقاد دارند. دلیل اعتقاد شیعیان زیدی به زید در این است که پس از معصومان، اولین انقلاب مسلحانه علیه حکومت ظلم و ستم توسط زید صورت گرفت. به همین دلیل، او را به

عنوان رهبر شیعه قبول دارند، نه به عنوان یکی از معصومان.

شما به عنوان یک مستبصر کسی که قبلاً سنی بود و حالا شیعه شده است چه پیامی برای جوانان ایران و چه پیامی برای طلاب حوزه علمیه قم و مشهد دارید؟

العماد: در سراسر جهان، دشمنان اسلام می خواهند کل عقاید اسلام، اعم از سنی و شیعه را نابود کنند. به همین دلیل، سعی کرده اند که همه مراکز دینی در یمن و در تونس و در سراسر جهان تحت نظارت دولت ها قرار گیرند؛ مثلاً، کانون های طلبه ها در یمن، تونس، عربستان، مصر و ترکیه را به یک کانون دولتی تبدیل کرده اند که وابسته به دولت باشد، تا آنجا که حتی اگر امام جماعتی وارد مسجد شود و بخواهد درباره مسائل دینی صحبت کند، نتواند حرفی در مخالفت برنامه ریزی دولت بزند. این ها موفق شدند که مراکز اهل سنت را دولتی کنند. فقط در مورد روحانیت شیعه، این کار صورت نگرفت و در جامعه شیعه شکست خوردند. به همین دلیل است که روحانیت شیعه مستقل از دولت هاست.

دلیل آن ها برای دولتی کردن علمای اهل سنت، این بود که قبلاً همه جنگ هایی که علیه حکومت ها انجام می شدند، توسط روحانیان بودند؛ مثل عمر مختار که یک روحانی بود، امام یحیی در یمن یک روحانی بود، حسن البنا در مصر یک روحانی بود، عبدالقادر جزایری در الجزایر یک روحانی بود. ما امیدوارم مغرور نشویم از اینکه می گوئیم اهل تشیع هستیم و شیعه مستقل است. این حرف درستی است، ولی کارهای خیلی بزرگی می توانیم انجام دهیم. در مصر، توانستند یک مرجع ثابت و یک عالم رسمی در «الازهر» درست کنند؛ در عالم تشیع هم می توانند یک مرجع وابسته درست کنند. به همین خاطر، شیعیان باید مراقب باشند.

من به جوانان ایرانی توصیه می کنم که سعی کنند از دیگر جوانان عبرت بگیرند. متأسفانه در سراسر جهان اسلام، کشورهایی که حکومت هایشان به آمریکا گرایش دارند، بیشتر جوانانشان تحت تأثیر تهاجم فرهنگی غربی می باشند. جوانان دیندار کشورهای اسلامی به عنوان «تروریسم» معرفی می شوند. متأسفانه کلمه «تروریسم» چندان گسترش پیدا کرده است که حتی کسی که نماز می خواند به عنوان «تروریسم» شناخته می شود، به عنوان طرفدار بن لادن که باید کشته شود. از این نعمت فقط جوان های متدین ایران برخوردارند که می توانند آزادانه نماز بخوانند، احکام دینی و امر به معروف انجام دهند. من به عنوان یک جوان یمنی یا یک جوان تونسی، اگر بتوانم کار یک جوان ایرانی را انجام دهم، مرا دستگیر می کنند و به زندان می اندازند. من از جوانان می خواهم از این نعمت که خداوند به آن ها داده است که می توانند علیه دشمنان اسلام حرف بزنند، مذهبشان را تبلیغ کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، استفاده نمایند. یک جوان فلسطینی یا یک جوان یمنی هیچ وقت نمی تواند کار یک جوان ایرانی را انجام بدهد. یک جوان فلسطینی فقط می تواند یک کار انجام بدهد: اینکه برود پیش یک یهودی و کشته شود. غیر از این راهی ندارد. جوانان ایرانی از این فرصت استفاده کنند و فکر نکنند که این فرصت ها همیشه در اختیارشان می مانند. این فرصت ها همیشه مثل ابر هستند و می روند و دیگر برنمی گردند (از فرمایش های امام علی علیه السلام). جوانان ایرانی موقعیت خود را با موقعیت جوانان یمنی یا تونسی مقایسه کنند تا قدر انقلاب اسلامی را بیشتر بدانند.

تعداد طلاب یمنی کم است. علتش چیست؟ خوب جذب نشده اند، یا علاقه ندارند؟

العماد: این بیشتر تقصیر دولت یمن است. دولت یمن تلاش می کند موانع زیادی ایجاد کند و اگر یک نفر یمنی برای تحصیل علوم دینی به ایران آمده باشد، یا خودش را اذیت می کند یا خانواده اش را.

از اینکه جناب عالی وقت شریفتان را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می کنیم.